

امیر علیشیر نوایی

اهمیت و عظمت امیر علیشیر نوایی هم از جهت

نوایندگی و هم از حیث پشتیبانی او از علما

مقام علمی نوایی

و ادب باقدری برجسته است که میتوان او را بی مبالغه ماسیناس زمان خود خواند (۱)

(ماسیناس نام یکی از بزرگان روم است که حامی ادب و دوست «هراس»

شاعر رومی بود)

علیشیر علاوه بر شاعری که در آن شهرت کسب کرده بود در موسیقی و تذهیب و نقاشی نیز بهرء وافی داشت. علاوه بر شعرا و نویسندگان بیشمار که وی مورد تشویق و عنایات خود قرار داده بود نقاشان و هنرمندانی مانند بهزاد و شاه مظفر و موسیقی شناسان بی نظیری مانند قول محمد و شیخ نایی و حسین عودی همه در ترقی و پیشرفت خود مدیون وی هستند. علی شیر خود نیز موسیقی دان ماهر و نوازنده استاد و نقاش چیره دست بود و در زبان ترکی شاعر بی مانند .

علیشیر به زبان ترکی چهار دیوان غزلیات و پنج مثنوی مفصل بر روش خمسه نظامی و یک مثنوی بتقلید از منطق الطیر عطار موسوم به لسان الطیر ساخته و پرداخته است (۲)

در شعر فارسی که بنخلص فانی اشعاری دارد همان طور یکه با بر در «بابر نامه» گفته است کمتر دستی داشته است. گرچه بعضی از ابیات او خیلی پخته و متین است اما بحیث عموم سست و ضعیف بنظر می رسد .

(۱) سبک شناسی تالیف ملک الشعراء بهار و «از سعد تا جامی» تالیف ادوارد برون با ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت . (۲) - دیوان جامی تالیف علی اصغر حکمت .

در علم عروض که او را استاد می نویسند و کتابی هم در آن علم دارد خالی از صحت و دقت است. چه در رساله که بنام «میزان الاوزان» نگاشته بگفته «باهر» در چار وزن از بیست و چار وزن رباعی که مورد بحث اوست اشتباه کرده و بغلط رفته است.

امیر نظام الدین علیشیر مرد دیندار و ملتزم و عایت آداب شریعت بود. در شطرنج شوق و ولعی بسیار داشت درین فن بر پیر مرتاض حکیم سبقت گرفته بود (۱). او در زمان واحد باد و حریف ماهر شطرنج می باخت بایکی در ظاهر و باد دیگری در غایب و نیز میگویند این امیر مجرد می زیست و از علاقه زوجیت آزاد زندگی می کرد. باد و ستان خود بسیار آزاد بود و مساهله و مسامحه روا میداشت.

شهرت نوائی بیشتر در اشعار ترکی و کمتر در اشعار فارسی اوست و نظریه تشویق و پشتیبانی بسیاری که از علما و ادباء زبان فارسی و از صنایع ظریفه کرده است او را در تواریخ ادبیات فارسی بحرمت یاد میکنند.

همان طور یک امیرعلیشیر نوایی در ترویج

بانی ادبیات ترکی

علم و ادب زبان دری ستاره درخشانی بود در

ترویج ادبیات ترکی نیز همت گماشته بآزادسازی ادبیات ترکی چغتایی گردید. گرچه پیش از نوایی هم شعرای بزرگی مانند امیری، لطفی و سکاکی بزبان ترکی شعری گفتند اما علیشیر لهجه ادبی این زبان را باوج ترقی رسانید و صد ها نویسنده برای توضیح و تفسیر اشعاروی از هند تا استانبول و از سمرقند تا مصر پیدا شدند و لغات بسیاری جهت شرح کلمات وی بسو جود آوردند که البته وسعت قلمرو ادبی این مرد بزرگ را نشان میدهد.

مستر گیپ (۲) در جلد دوم تاریخ شعر عثمانی خود آنگاهی که از آن دوره

(۱) محاكمة اللغتين - تألیف امیر نظام الدین علیشیر نوایی ترکی و ترجمه نورخان

کنجه بی بفارسی

(۲) مجالس النفايس تألیف امیر نظام الدین علیشیر نوایی به چغتایی و ترجمه فخری هراتی

و قزوینی بفارسی و حواشی علی اصغر حکمت.

سخن می راند میگوید: مدرو، هرات که مخصوصاً اشعار غنایی و غزلی را پرورش داد بحسب صنعت و آرایش کلام امتیاز دارد و در نیمه دوم قرن پانزد هم بدرباردرخشان سلطان حسین با یقرا سلطان فضیلت دوست و ادب پرور باوج کمال خود رسید. در آنجا منعی و ماده ادب در قالب تالیفات عده دو مرد ادیب و فاضل یکی شاعر جامی تخلص و دیگر وزیر امیر علیشیر نوایی جمع و صورت پذیر گردید. این دو نویسنده عالی مقام دو ستاره رهنمای ادبیات ترکی عثمانی در سراسر دوره دوم (۱۴۵۰-۱۶۰۰ م) بشمار هستند.

علیشیر در زبان ترکی چغتایی شاعر ی بی مانند است بان زبان چار دیوان - غزلیات - پنج مثنوی مفصل بتقلید از خمسه نظامی و یک مثنوی بتقلید از منطق الطیر عطار نوشته است. علیشیر در اشعار ترکی که شهرت وی نیز در آن است تخلص نوایی و در اشعار فارسی که دست تو انا ندانست تخلص فانی می کرد. از همین جا است که او را ذواللسانین لقب داده اند. وی را رساله ایست بزبان ترکی چغتایی بنام محاکمة اللغتين که درین رساله نویسنده کوشیده است بر تری زبان توکی را بر فارسی با ثبات برساند. (۱)

علیشیر درین باره تحقیقات زیاده کرده و یک تعداد لغات ترکی و فارسی را پهلوی هم گذاشته سعی نموده است تا لغات ترکی را بر فارسی بهتر و سچتر نشان بدهد و تاجایی نشان هم داده است. که پسانتر از آن یاد خواهیم کرد.

رواج بازار علم و ادب در قرن نهم با بروز آثار

ارادت نوایی بجامی

بزرگ ادبی که در آن میان آثار جامی ستاره

درخشان و فروزان آن آسمان است، بیشتر مدیون وجود آن امیر دانش گستر میباشد که بفضایل ادبی و اخلاقی موصوف و دارای نفوذ کلی در دربار حسین با یقرا و شخصاً صاحب ثروت و مکننت بسیار بوده است.

(۱) دیوان نور الدین عبدالرحمن جامی تألیف علی اصغر حکمت.

این امیر ادیب و دانشپور در بهجت علما و فضلا و علاقه با اهل فضل و کمال بقدری موصوف است که استاد بر سر او را شبیه بما سیناس سیلیوس نموده است. بانکه در اطراف شمع وجودش فضلا و شعرای بیشمار و اهل ذوق و فضل پروانه صفت گرد آمده بودند او خود نسبت به جامی سر ادرات سپرده و بد امان او دست بندگی زده بود. منزلت جامی در نزد امیر علی شیر نوایی هم جنبه دوستی دارد و هم شاگردی و استادی. بسیاری مولفات خود را جامی (در نظم و نثر) بر حسب تشویق و یا بموجب خواهش او انجام داده و در همه آنها نام ویرا بتجلیل و عزت یاد کرده است. علاوه بر آن بسیاری مراسلات منثور، قصاید، قطعات و غزلیات منظوم از جامی موجود است که در خطاب یا در جواب و یا در ستایش امیر علی شیر نوایی سروده شده. چنانچه جامی در اسکنده نامه خود امیر علیشیر نوایی را چنین ستایش میکند:

ز چرخ آفرینها بران کلک باد	که این نقش مطبوع ازان کلک زاد
ببخشید بر پارسی گوهران	بنظم دری و دو نظم آوران
که گریبوده آنها بنظم دری	نماندی مجال سخن گستری
بمیزان آن نظم معجز نظام	نظامی که بودی و خسر و کدام
چو او بر زبان دیگر نکتہ را ند	خرد را بتتمیز شان ره نماند
زهی طبع تو استاد سخن	علوم از مفتاح کلکت کشاد سخن ...

پس از آنکه شاعر در سال ۸۹۸ وفات یافت امیر علی شیر نوایی مرثیه مفصلی به صفت ترکیب بند ساخت که مرکب از هفت بند و هفتاد بیت است و با این بیت آغاز می شود:

هر دم از انجمن چرخ جفای دگر است هر يك از انجم او داغ بلای دیگر است

و پس از آن کتابی موسوم به خمسة المتحیرین را بیاد گاروی تألیف نمود درین کتاب علی شیر در هر گ جامی خود راعزا دار معرفی کرده است.

اینکه بیشتر آثار قلمی جامی در ربیع اخیر عمر او در فاصله (۸۷۹ — ۸۹۸ هـ)

بظهور رسیده دلیل دیگر است بر نفوذ تشویق امیر نظام الدین علی شیر بر جامی!

امیر علی شیرنوا بی در تمام عمر وزارت خود با آنکه اخلاق امیر علی شیر اختیار تام داشت ابداً کاری نکرد که خلاف انصاف و عدالت باشد و هیچگاه از رعایت بیچارگان فرو گذاشت نکرده همیشه بتربیت افاضل و علما همت می گماشته است.

دربارش مجمع علما و فضلا بود. در تربیت هنرمندان و موسیقی دانان، شعرا، خطاطین سعی بلیغ مینمود (۱) در هر گوشه افغانستان ابنیه و مساجد ازین مرد بزرگ بیاد گارمانده است. مکتب بزرگ هرات در ادبیات و هنر بین سالهای (۱۷۶ - ۱۹۰۶) به پشتیبانی امیر علی شیرنوا بی بوجود آمد و علما و هنرمندان از هر گوشه و کنار بجانب هرات رونهادند. امیر علی شیر شخصی دیندار مسلمان پاک و دارای قلب بی آرایش بود. بجاه و جلال دنیوی اعتنائی نمی کرد همه وقت در پی آن بود تا بفراغ خاطر به مطالعات ادبی مشغول باشد. وی تا آخر عمر تاهل اختیار نکرد و بارادت استاد زمان خود نورالدین عبدالرحمن جامی وارد طریقه دراویش نقشبندیه گردید (۲) شوق او در اجرای اعمال نیک حد و نهایتی ندارد. گویند در حدود ۳۷۰ مسجد، مدرسه صومعه و دیگر اماکن خیریه در خراسان بتنهایی بنا نموده و یا تعمیر و مرمت کرده است.

تذکره هایی که از نوایی نامبرده اند: امیر علی شیر نوایی وزیر دانشمند دوره تذکره نویسان معاصر و بعد همه وی را بخوبی و بزرگی ستوده اند.

دولت شاه سمرقندی در تذکره الشعراء - غیاث الدین خواندمیر در تاریخ حبیب السیر و مکارم الاخلاق و ظهیر الدین بابر در بار نامه و سام میرزا در تحفه سامی مقام شامخ او را در علم و هنر شرح داده اند.

تحقیقات دانشمند انگلیسی «گیپ» در کتابش موسوم به «تاریخ شعر عثمانی» بلن در «ژورنال آسیا تیک» و مستشرق معروف شوروی «برتلس» تحت عنوان «نوایی و عطار» درباره شرح زندگی امیر نظام الدین علی شیرشایان ذکر است.

(۱) - صنعتگران و خوشنویسان هرات تألیف علی احمد نعیمی.

(۲) - معاکمة اللغزین تألیف امیر علی شیر نوایی بترکی و ترجمه نورخان کنجه بی بغاری.

در سال ۱۹۴۱- بمناسبت پانصدمین سال این متفکر بزرگ جشنهایی در کشور
های ترکیه و ازبکستان بر پا گردید و در اطراف احوال و آثار و اهمیت وی مقالات
و رسالاتی طبع و نشر گردید (۱)

در ترکیه تحقیقات دانشمندان بزرگ از قبیل پروفیسر «ذکی ولی دی»-
«طوغان» «دائرة المعارف اسلامی» و پروفیسر «محمد فواد کوپرولو» ضمن مقالاتی که
در باب زبان ادبیات ترکی نوشته از او ذکر کرده است و همچنین پروفیسر احمد جعفر
اوغلو، (نواک آماجی) و آقای بسیم آتالای (بولتن زبان ترکی) دارای اهمیت
زیادی میباشند (۲) در ایران هم آقای علی اصغر حکمت با مراجعه بتمام ماخذ
و منابع شرق و غرب در اطراف نوایی و جامی تحقیقات گرانبهایی کرده که هم بصورت
کتاب و هم بصورت رساله چاپ شده است.

نوایی طوری که در شعر و ادب- موسیقی- تذهب کاری

آثار امیر علی شیر

نقاشی و غیره هنرها چیره دست بود همان طور نویسند
و مؤلفی بارور نیز بوده است. تذکره نویسان معاصر و بعد از وی از جمله دولت شاه
سمرقندی و خواندمیر در حدود سی جلد از کتاب و رسایل فارسی و ترکی او ریاض کرده
اند که بعضی منظوم و بعضی منثور نگارش یافته است. این کتابها که از ابتدای عمر نوایی
تا آخرین لحظه حیات او یعنی (۹۰۶ هجری) نگارش یافته است (۳) عبارت اند از:
۱- مثنویها: «تحفة الابرار» - فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون - سدسکندری و سبعة سیاره.
۲- چاردیوان (غرایب الصغر، نواد الشباب، بدایع الوسط و فواید الکبر)
۳- مثنوی لسان الطیر - ۴ تذکره مجالس النقایس - ۵- سراج المسلمین
۶- اربعین منظوم - ۷- نظم الجواهر - ۸- محبوب القلوب - ۹- تاریخ انبیاء
۱۰- تاریخ ملوک عجم - ۱۱- نسایم المحبه - ۱۲- رساله عروضیه
۱۳- خمسة المتحیرین - ۱۴- محاکمة اللغتين - ۱۵- حالات پهلوان اسد

(۱) - دیوان جامی تألیف علی اصغر حکمت ،

(۲) - از سعدی تا جامی تألیف ادوارد برون ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت .

(۳) - دائرة المعارف فارسی . .

۱۶- حالات سید حسن ارد شیر- ۱۷- مفردات در فن معما- ۱۸- قصه شیخ
 صنعان- ۱۹- مناجات- ۲۰- منشآت ترکی- ۲۱- دیوان فارسی حاوی شش هزار بیت
 ۲۲- منشآت فارسی- ۲۳- میزان الا وزان.

از جمله آثار منظوم و منثور و مجالس التقایس و محاکمة اللغتين بیش از

همه شهرت دارد.

در میان سایر آثار امیرعلیشیر نوایی رساله کوچکی است

محاکمة اللغتين

بنام محاکمة اللغتين که در سال ۵۰۹ هجری یعنی یکسال

پیشتر از وفات نظام الدین علیشیر نگارش یافته است. (۱)

موضوع این رساله تحقیق در کیفیت زبان ترکی و فارسی و اثبات تفوق زبان ترکی

بر فارسی است. وی در متن این رساله یکتعداد کلمات ترکی و فارسی را پهلو ی هم

گذاشته و از نگاه ترکیب آنها را مقایسه کرده می نویسد: در فارسی کلمه ای نیست

که برای بیان دقایق و ادراك کلمات آورده شود. برای تفهیم معانی این کلمات ناگزیر

عبارات دور و درازی را ایراد می نمایند آنها بیاری کلمات عربی!

مثلا کلمه قو و ارماق ترکی را در اثر گذشت زمان طراوت و رنگ و بوی خود را از

دست دادن معنی کرده و کلمه قو و روق شاماق به معنی زیاده از حد ترسیدن

او ثارماق: خورد کردن، کوچک گردانیدن.

جیجایماق:؟

و کلمه چیکریماق را به معنی تنفر و باصطلاح امروز ذوق زده شدن - پریدن خواب

از سر، آورده است.

نوایی این رساله را در تحت تاثیر و تلقین سلطان حسین بایقرا که خود مهارتی در

زبان و ادبیات ترکی داشته تالیف کرده است. باقیدا زد

(۱) مقدمه محاکمة اللغتين تالیف امیرعلیشیر نوایی به ترکی و ترجمه نورخان گنجه بی بفارسی.

خال عروس

خال روی این عروس است از سویدای دلم	تازه رو باشد جنون از داغ سودای دلم
آه یعنی عنبر سر جوش سودای دلم	میکند هر شب مشام آسمان را عطر بیز
ا زلب حسرت شود لبر یز مینای دلم	تا تو ساغر میکشی بامدعی در انجمن
موج خیز گرد و حشمتهاست صحرای دلم	تا خیال چشم شوخت را تصور کرده ام
صد شکن دارد ز زلف او سرا پای دلم	دره خوبان درستی از من بیدل مخواه
دوخت خیاط ازل بر قد و با لای دلم	جامه دیوانگی را در ازل از روی صنع

عاجز م در انتظار یک تماشا عمرها ست

چشم شوخت بر نمی آرد تمنای دلم

قبله نما

کم شد از دیدن خورشید ضیای نگهم	سوخت از دیدن روی توفه های نگهم
مژه از غایت ضعف است عصای نگهم	بسکه بی روی توام نیست در اعضا قوت
مژه چون خار خلد در کف پای نگهم	دیده بی روی تو چون بر رخ گل باز کنم
آه بیرون شود از دیده بجای نگهم	بی تو از بسکه سرا پای وجودم یأس است
مژه پوشیده سیه بهر عزای نگهم	مردم دیده ز نادیدن رویت مرده است

نگردد دیده بجز آن خم ابرو عاجز

قبله را گم نکند قبله نمای نگهم

انجمن تاریخ از جاده نادر پستون به غیاث الدین واپ
در شیر پور نزدیک چار راهی قلعه فتح الله خان
نقل مکان کرده است .